

تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه

چکیده

تحول ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و جنگهای اول و دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ م که به سقوط صدام حسین منجر شد همراه با آرزوی دیرینه کردها برای نایل شدن به استقلال، زمینه را برای ایجاد خودگردانی کردها و تأسیس حکومت منطقه‌ای فدرال در شمال عراق فراهم کرد.

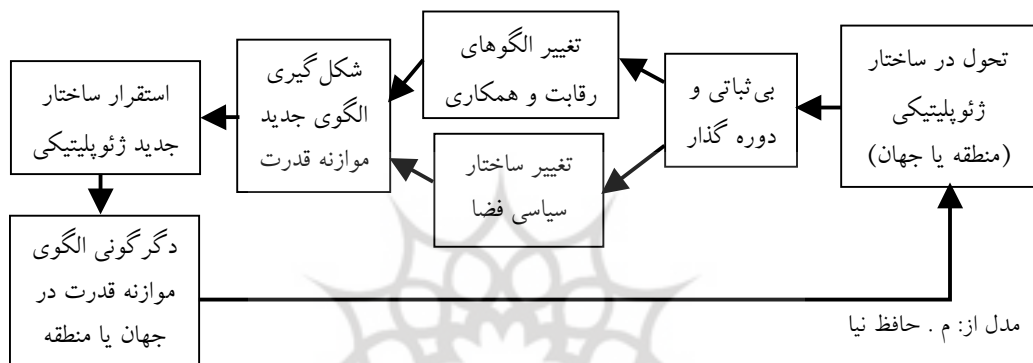
حکومت خودگردان شمال عراق توانسته است در مدت ۱۵ سال گذشته دستاوردهایی در زمینه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی، ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و قومی، نمادسازی قومی، آزادی و دموکراسی، اتصال کردستان با جهانیان و سیستم بین‌المللی و غیره داشته باشد و از موقعیت الگویی و آرمانی در بین کردهای خاورمیانه برخوردار شود.

این مقاله پس از بررسی سیر تکوین حکومت خودگردان کردی، به مطالعه تأثیر آن بر کردهای کشورهای منطقه خاورمیانه به ویژه ترکیه، ایران و سوریه می‌پردازد.
کلید واژه‌ها: خودگردانی، کردستان، کردها، عراق.

مقدمه

اصولاً هر نوع تحول ژئوپلیتیکی در ساختار قدرت جهانی و منطقه‌ای می‌تواند به بروز بی‌ثباتی و نیز تغییر چشم‌انداز جغرافیای سیاسی منجر گردد. بی‌ثباتی‌ها و ناآرامی‌های پدید آمده پس از مدتی با استقرار نظام جدید موازنه قدرت به تدریج رو به آرامش و ثبات می‌گذارند. جهان در قرن بیستم شاهد سه رویداد بزرگ در ساختار ژئوپلیتیک خود بوده است. منازعه جنگ جهانی اول، منازعه جنگ جهانی دوم و فروپاشی نظام دو قطبی یا پایان دوره جنگ سرد. در هر کدام از این رویدادها ساختار

ژئوپلیتیک جهان تغییر یافته و بازیگران قدرت، روابط قدرت و عرصه‌های رقابت و همکاری دگرگون شدند و چشم‌انداز جغرافیای سیاسی جهان نیز تغییر کرد. دولت‌هایی از نقشه سیاسی جهان حذف و دولت‌های جدیدی پدیدار شدند. تحول ژئوپلیتیکی چه در مقیاس کروی و چه در مقیاس منطقه‌ای در بطن خود بی‌ثباتی را به همراه دارد. این بی‌ثباتی منعکس‌کننده بی‌نظمی‌های ناشی از دوره گذار است که جهان یا منطقه از ساختار ژئوپلیتیکی سابق به سوی استقرار ساختار جدید حرکت می‌کند.



آن طور که کوهن بحث می‌کند موازنه‌های ژئوپلیتیکی خصلتی دینامیک دارند و متغیرهای درونی و بیرونی دائماً موازنه موجود را هدف قرار داده و روندها و فرآیندها آن را به سوی استقرار موازنه جدیدی هدایت می‌کنند، و بدین ترتیب تحول موازنه‌ها به صورت جریانی دائمی در آمده که به تکامل سیستم ژئوپلیتیک جهانی منجر می‌شود (Cohen, 1994, 15-48).

با فروپاشی شوروی سابق به عنوان یکی از قطب‌های ساختار قدرت جهانی در نیمه دوم قرن بیستم، روابط قدرت و ساختار ژئوپلیتیک جهانی دچار تحول گردید از جمله:

۱- آمریکا به عنوان قدرت جهانی بدون رقیب ماند، و برنامه نظم جدید جهانی را با تلاش برای کنترل امور جهان در قالب ساختار تک قدرتی اعلام کرد و رهبری جنگ علیه عراق و آزادسازی کویت را در ۱۹۹۱ به دست گرفت.

۲- فضاهاى جغرافیایی تحت حاکمیت و یا نفوذ شوروی در جنوب و غرب آن، دچار خلأ قدرت گردید و الگوی رقابت و بی‌ثباتی و مناقشه در آنها شکل گرفت (آسیای مرکزی، قفقاز، خزر، بالکان، اروپای شرقی، مناطقی هستند که پس از مدتی بی‌ثباتی، امروز به نوعی ثبات و آرامش نسبی دست یافته‌اند).

۳- سازه‌های قدرت جدید در اروپا، روسیه، امریکای لاتین، شرق و جنوب آسیا پدیدار شدند که به صورت قدرت‌های رقیب آمریکا عمل می‌کنند (Huntington, 1999, 35-49).

۴- سازمان ملل نسبت به دوره جنگ سرد به صورت فعال‌تری در امور جهان مداخله کرد.

۵- برخی منازعات مربوط به دوره جنگ سرد آرام شدند در حالی که برخی دیگر نظیر برخوردهای قومی پدیدار شدند و بازیگران آنها نیز تغییر کرد.

دوره گذار ژئوپلیتیکی از دهه پایانی قرن بیستم آغاز گردیده و همچنان ادامه دارد و جهان در مرحله بی‌ثباتی و یا نوعی سیالیت ژئوپلیتیکی به سر می‌برد. خصلت عمده این دوره گذار (۱۵ ساله) پدیدار شدن و فعال شدن نیروهای متناقض در فضای کره زمین است. این نیروها و عوامل عبارتند از:

۱. نیروهای جهان‌گرا که با ماهیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سعی بر جهانی‌سازی پدیده‌ها و ارزش‌های مورد نظر خود را داشته و گفتمان جهانی شدن را با قدرت تعقیب می‌کنند.

۲. نیروهای محلی‌گرا و یا منطقه‌گرا که با ماهیت نژادی، قومی، فرهنگی، زیست‌محیطی، جغرافیایی، مذهبی، ناسیونالیستی سعی بر حفظ هویت و منافع منطقه‌ای و محلی داشته و در برابر جهانی شدن مقاومت می‌کنند.

۳. نیروهای حقوقی و سازمانی که در قالب سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی سعی بر کنترل فرآیندها و هدایت امور جهانی را دارند.

۴. بازیگران ایدئولوژیکی که با ماهیت آرمان‌گرایانه به دنبال استقرار ارزش‌های مورد نظر خود در جهان یا بخشی از آن هستند. در میان این گروه: امریکا و غرب و نیز بنیادگرایان دینی اعم از مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، هندوان، و غیره وجود دارند. گفته می‌شود با پایان جنگ سرد دوره رقابت ایدئولوژی در جهان به پایان رسیده است در حالی که بر عکس آن الگوی جدیدی از رقابت ایدئولوژیکی در جهان آغاز شده است که پیداش و گسترش تروریسم بین‌المللی بدون مرز و مداخله نظامی قدرت جهانی در سایر مناطق از آثار آن می‌باشد.

۵. بالاخره عامل قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است که سعی دارند در فضاهای جغرافیایی جهان سلطه و نفوذ خود را در ابعاد مختلف و با استفاده از تمامی ابزارها

گسترش داده و رقابای خود را از آن دور نگهدارند. در این گروه آمریکا، اروپا، روسیه، چین، هند و ژاپن شاخص تر می‌باشند. تعارض و رقابت عوامل و نیروهای مزبور دامنه بی‌ثباتی در جهان را گسترش می‌دهند، که توسعه ناامنی و منازعه از جلوه‌های شاخص آن است. اگر دوره گذار ژئوپلیتیکی به پایان نرسد و ساختار جدیدی بر جهان حاکم نشود بشریت متأسفانه شاهد توسعه ناامنی و تهدید زندگی خود خواهد بود.

فروپاشی نظام دو قطبی منجر به بروز دو موج بی‌ثباتی منطقه‌ای در جهان شد: موج اول که مربوط به آغاز دهه ۱۹۹۰ بود و بر فضاهای جغرافیایی جنوب و غرب شوروی سابق نظیر آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان و اروپای شرقی سایه افکند. این موج به تدریج به کنترل در آمد و فضاهای مزبور به نوعی آرامش نسبی دست یافتند.

موج دوم منطقه خاورمیانه را به ویژه در اوایل قرن بیست و یکم بی‌ثبات کرد که به طور فزاینده‌ای ادامه دارد. این بی‌ثباتی نتیجه رویارویی دو بازیگر عمده است که در یک طرف آن بازیگر برون منطقه‌ای و مشخصاً آمریکا قرار دارد که به دنبال کنترل امور این فضای جغرافیایی است و در طرف دیگر بازیگران درون منطقه‌ای قرار دارند که مجموعه‌ای از برخی دولت‌ها و ملت‌ها و نیز گروه‌های سازمان یافته را شامل می‌شود که لزوماً با یکدیگر همسو و متحد نیستند. این پدیده تا حدی بیانگر همان چیزی است که هانتینگتن از آن به رویارویی تمدن غرب و اسلام یاد می‌کند (Huntington, 1993, 22-50). نتیجه این رویارویی و تقابل توسعه بحران‌ها در خاورمیانه و تحول فرآیندهای ژئوپلیتیکی در آن است. مسأله فلسطین و اسرائیل و لبنان، مسأله کردستان، بحران عراق، مسأله افغانستان، بحران امنیتی پاکستان، بحران رویارویی ایران و آمریکا، مسأله مشروعیت حکومت‌ها، گسترش اندیشه‌های بنیادگرایانه، توسعه شکاف‌های عربی-ترکی و ایرانی یا به عبارتی مثلث شکاف، بحران ناامنی و ترور و غیره مصادیق مشخص آن می‌باشد. این بحران‌ها پتانسیل لازم را برای توسعه بی‌ثباتی، ناامنی و تحول فراهم می‌کنند.

مسأله کردستان که موضوع این مقاله است اگرچه سابقه دیرینه‌ای دارد ولی پس از فروپاشی نظام دو قطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و نیز سقوط دولت بعث در عراق پس از حمله آمریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳، به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گردید، و نوعی حکومت خودگردان کردی را در شمال عراق شکل داد (Stansfield, 2003, 12) و مناطق کردنشین کشورهای همسایه

در خاورمیانه را نیز دستخوش تحولاتی نمود که از سیر فزاینده‌ای برخوردار می‌باشد. مسأله این مقاله این است که پیدایش حکومت خودگردان در شمال عراق در شکل دفاکتو^۱ (وضع موجود) و یا دوژور^۲ (قانونی و رسمی) که در واقع تحقق آرمان دیرین اکراد خاورمیانه می‌باشد چه تأثیری در مناطق کردنشین کشورهای همسایه داشته است؟

روش تحقیق

این پژوهش اساساً از نوع کتابخانه‌ای است که با استفاده از روش مصاحبه با متخصصین آکادمیک تکمیل شده است. اطلاعات کتابخانه‌ای از منابع فارسی در تهران و منابع انگلیسی موجود در مراکز مطالعاتی ذیربط در فرانسه و آلمان (شهرهای پاریس، ماینز و بن) و نیز کتابخانه انجمن جغرافیایی انگلستان - لندن اخذ شده است. البته متأسفانه منابع کتابخانه‌ای که مستقیماً در ارتباط با موضوع تحقیق باشد به ندرت یافت گردید. زیرا به نظر می‌رسد به دلیل جدید بودن موضوع محققین هنوز فرصت پرداختن به آن را پیدا نکرده‌اند. منبع دیگر رسانه‌ها و اینترنت بود. گزارش‌های خبری و رویدادها عمدتاً از این منابع و سایت‌ها گرفته شده است. در حوزه رسانه‌ها سعی شده عمدتاً از گزارش‌های سایت BBC به دلیل احاطه و قدرت خبری و نیز بی‌طرفی نسبی آن در انعکاس وقایع استفاده شود.

- مصاحبه با متخصصین مسایل کردستان و کردها در مراکز مطالعاتی کردی و آکادمیک در فرانسه، آلمان، تهران و آمریکا به عنوان فعالیت میدانی، یکی از منابع ارزشمند اطلاعاتی این پژوهش می‌باشد. در این تحقیق سعی گردید از مصاحبه با فعالین سیاسی به دلیل گرایشات خاص آنها و احتمال تأثیرگذاری آن بر نتیجه تحقیق پرهیز گردد. در مقابل سعی شد با شخصیت‌های آکادمیک و برجسته کردشناس و متخصص امور کردستان که عمدتاً از اشتهار بین‌المللی نیز برخوردارند مصاحبه به عمل آید. هرچند علی‌رغم تلاش به عمل آمده امکان مصاحبه با برخی از آنها امکان‌پذیر نشد. نگارنده بر خود لازم می‌داند از همه آنها تشکر و قدردانی به عمل آورد.

کردستان کجاست؟

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع بخش‌هایی از

1. Defacto.

2. Dejure.

غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد و بر فلاتها و سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف می‌باشد. سرزمین مرتفع کردها، باعث معروفیت آنها به عنوان مردمان کوهستان در نظر اقوام پیرامونی شده است. یعنی ترک‌ها، ایرانی‌ها و عرب‌ها کردها را با کوهستان مترادف می‌دانند و گاهی بر این اساس نگرش منفی نسبت به کردها پیدا می‌کنند (Ciment, 1996, 1; Pelletiere, 1984, 11-16). هرچند موقعیت جغرافیایی کردستان در خاورمیانه و قاره آسیا و در محل تلاقی چهار فلات ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز مشخص می‌باشد لکن درباره محدوده و قلمرو فضای جغرافیایی کردستان اتفاق نظر وجود ندارد. در آثار منتشره درباره کردستان نقشه و آمارهای جمعیتی مختلفی مشاهده می‌شود که محدوده کردستان و تعداد جمعیت کرد در خاورمیانه و جهان را به صورت متفاوت نشان می‌دهند. بنابراین نمی‌توان توقع داشت که نقشه دقیقی که بیانگر محدوده فضای جغرافیایی دارای اکثریت سکنه کرد باشد به دست آید و می‌بایست نقشه‌ها و آمارهای جمعیتی کرد را با تخمین و احتمال پذیرفت. مهمترین مانع برای تولید نقشه درست و تعداد جمعیت فقدان آمارهای رسمی و دقیق می‌باشد.

نویسنده این مقاله در حدود سی نقشه و ادعای آماری درباره کردستان و جمعیت کردها را مورد بررسی قرار داده است که عمدتاً توسط مؤسسات معتبر نظیر انستیتو بین‌المللی کردشناسی پاریس، انسیکلوپدیای بریتانیکا و یا کردشناسان برجسته‌ای نظیر پروفیسور ایزدی، کرینبروئک و الیسون تولید شده‌اند. در این نقشه‌ها و آمارها اختلاف مشاهده می‌شود. بنابراین نقشه قلمرو کردستان و آمار جمعیتی آن را با احتیاط باید پذیرفت. البته بررسی و ارزیابی نقشه‌ها و آمارهای جمعیتی کردستان خودش نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد. یکی از نقشه‌هایی که تا اندازه‌ای با اغراق نیز همراه است، نقشه کردستان بزرگ است، که توسط ناسیونالیست‌های کرد در بیروت و در پایان جنگ جهانی دوم تولید شده و به سازمان ملل متحد ارایه گردیده است. در این نقشه محدوده کردستان از ساحل دریای مدیترانه تا ساحل خلیج فارس تعیین شده است و با اغراق همراه می‌باشد به طوری که لرها و بختیاری‌ها نیز در آن کرد شناخته شده‌اند (Eagleton, 1963, 38).

نقشه مزبور موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منحصر به فردی را در خاورمیانه به کردستان می‌دهد، بدین معنی که دو اقیانوس هند و اطلس از طریق زبان‌های آن دو

یعنی مدیترانه و خلیج فارس به هم پیوند می‌خورد و علاوه بر آن در برگیرنده ذخایر و مناطق نفت خیز و آبی خاورمیانه بوده و یا مشرف به آنها می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۶۶). در عین حال محدوده کردنشین خاورمیانه فضایی تقریبی است بین کوه آرارات به سمت جنوب تا شهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلی در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق به ارزروم و آرارات (Arfa, 1966, 157) (Koochi Kamali, 2003, 26). مساحت این محدوده در حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع است که ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر آن در ترکیه، ۱۲۴۹۵۰ کیلومتر آن در ایران، ۷۲۰۰۰ کیلومتر آن در عراق و ۱۸۳۰۰ کیلومتر آن در سوریه واقع است (Koochi Kamali, 2003, 26). قلمرو کردستان همان‌طور که اشاره شد بین کشورهای مختلف خاورمیانه و در پی جنگ چالدران^۳ بین ایران و عثمانی در ۱۵۱۴م. و جنگ جهانی اول و قرارداد سور^۴ در ۱۹۲۰ تقسیم شده است. بخش عمده مساحت و جمعیت کردستان در ترکیه و سپس به ترتیب در ایران، عراق و سوریه و ارمنستان قرار دارد.

تقسیم کردستان بین کشورهای خاورمیانه سبب شده است که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی از موقعیت حاشیه‌ای برخوردار شوند. موقعیت حاشیه‌ای همراه با توپوگرافی و فضای جغرافیایی پیچیده و نیز نگرش دولت‌ها و گروه اکثریت ملی به آنها به عنوان شهروند درجه ۲ و شورشی سبب شده است که مناطق کردنشین عموماً توسعه نیافته محسوب شوند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و عمرانی عقب‌مانده‌تر از سایر نقاط کشور باشند که این خود باور تبعیض و بی‌عدالتی را در بین اقلیت کرد گسترش داده و روابط آنها را با دولت مرکزی بدتر می‌کند.

از لحاظ جمعیتی، همان‌طور که قبلاً بیان شده آمار درست جمعیتی درباره کردها وجود ندارد و آنچه در منابع مختلف آمده است توأم با اغراق و یا تخمین است. نگارنده حدود سی مورد جدول و ادعاهای جمعیتی را درباره کردهای خاورمیانه بررسی نموده است که با یکدیگر متفاوت می‌باشند. این آمارها در منابع معتبر در طیفی بین ۱۶,۵ تا ۴۰ میلیون نفر متغیر می‌باشد که بیشترین آن مربوط به مرکز مطالعات کردی بن در آلمان است. نگارنده از بین هشت منبع معتبرتر اقدام به گرفتن میانگین نموده است که بر اساس آن جمعیت کردها در حدود ۲۶,۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

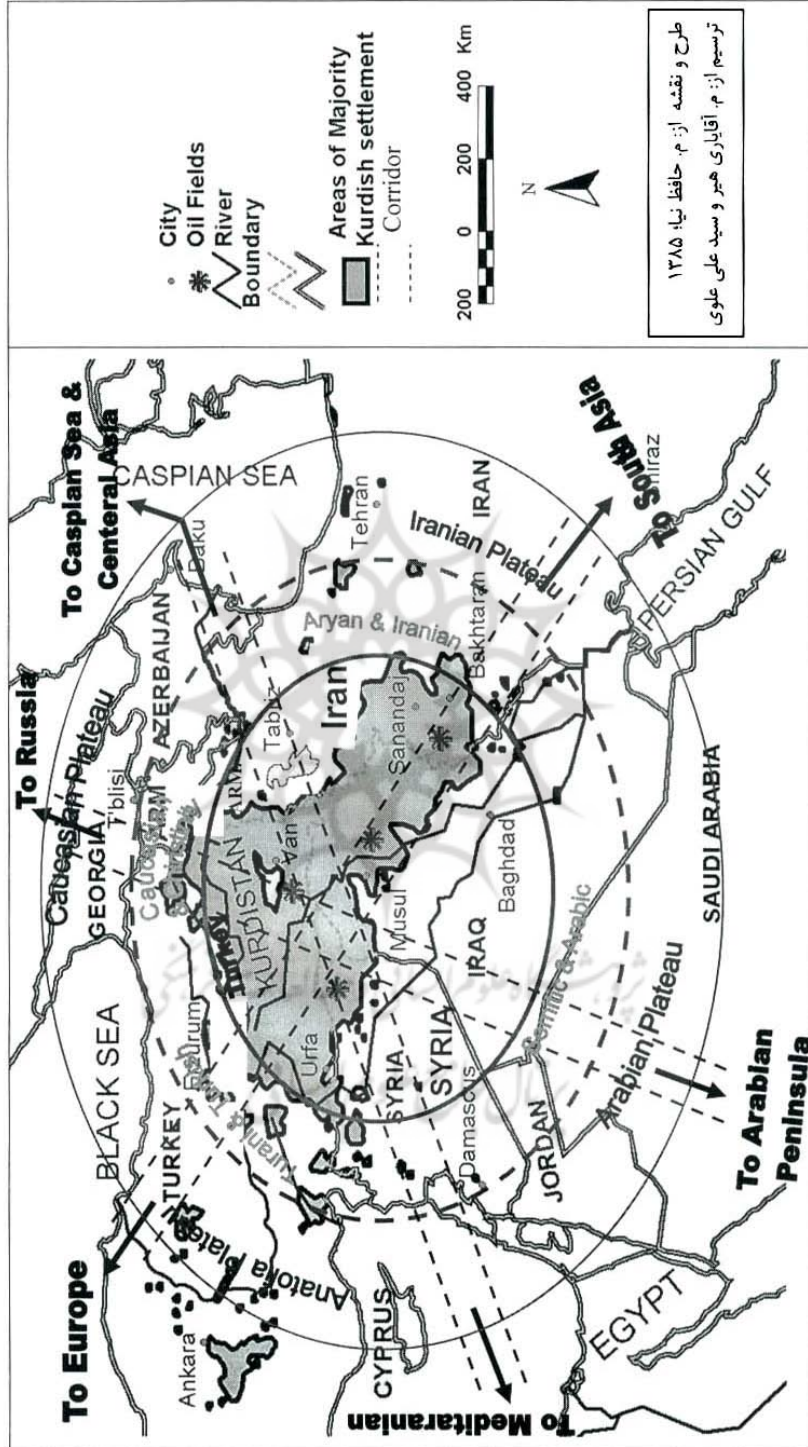
3. Chaldiran.

4. Sevres.

منطقه کردستان سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آن شیرین در خاورمیانه است. رودخانه‌های معروف دجله، فرات، ارس، قزل ایرماق، و زاب از کردستان سرچشمه می‌گیرند. منابع آب منطقه کردستان به دریای مازندران، خلیج فارس، دریاچه ارومیه و دریای سیاه سرازیر می‌شوند و کشورهای ترکیه، ایران، آذربایجان، ارمنستان، عراق، سوریه و کویت به آبهای کردستان وابستگی دارند (بختیاری، ۱۳۸۴، ۲۷). بنابراین کردستان یکی از غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد و از لحاظ ژئوپلیتیک آب اهمیت فوق‌العاده‌ای در آینده خواهد داشت. علاوه بر آب منابع نفت عمده‌ای در کردستان وجود دارد بخشی از منابع نفت ایران در غرب آن (نفت شهر)، نفت شمال عراق (کرکوک) نفت سوریه (دریک) و ترکیه (کولیک و نسبین) در کردستان قرار دارد. بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز کردستان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

از لحاظ موقعیت ارتباطی، مسیر ارتباط ایران به ترکیه و اروپا و بالعکس و نیز خطوط انتقال نفت و انرژی از خزر و یا بین‌النهرین به مدیترانه از کردستان عبور می‌کند. با وجود این اگر واقع‌بینانه نگریسته شود کردستان در شکل دولت فرضی محصور در خشکی است که به دریا راه ندارد و بزرگترین تنگنای ژئوپلیتیکی آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه که همه آنها نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت، در یک ائتلاف می‌توانند آن را به زانو درآورند. این همان واقعیتی است که نخبگان سیاسی کرد به ویژه مقامات کرد در دولت جدید عراق نظیر وزیر امور خارجه و رئیس جمهور طالبانی، و حکومت خودگردان کردستان شمال عراق نظیر رئیس پارلمان بر آن آگاهی دارند و از تعقیب اندیشه تأسیس دولت مستقل کردی پرهیز می‌نمایند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۴/۲/۷، ۶) (Muslimroice, 2003, 1) و شرایط جغرافیایی را مانع تحقق دولت کردستان می‌دانند (روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۸/۲۱، ۵).

از لحاظ موقعیتی علاوه بر موارد ذکر شده به این نکته باید توجه کرد که کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای، یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است که در نقشه ۱ مشاهده می‌شود.



نقشه ۱. موقعیت کردستان در منطقه خاورمیانه

هویت کردها چیست؟

کردها با جمعیت ۲۶,۵ میلیون نفری دارای ویژگی‌های خاص خود بوده که هویت آنها را شکل می‌دهد. آنها دارای فرهنگ مشترک، افسانه اجدادی و منشأ مشترک، شباهت زبانی، تاریخ پر درد و رنج مبارزه با خارجی و عقیده مشترک اسلامی هستند. کردها بر این عقیده‌اند که آنها از نسل مادها می‌باشند که در قرن ششم پیش از میلاد متشکل شده و امپراطوری ایران را تشکیل دادند (Kaveh, 2006, 1; Natali, 2005; xx. Gurr&Harff, 1994, 30).

مردوخ کردستانی نویسنده معروف تاریخ مردوخ که از کتب کلاسیک و مورد علاقه کردها می‌باشد درباره تاریخ کهن کرد می‌نویسد:

"مجدد و احیاکننده دولت مادها همان‌طور که در تواریخ کرد و یونان و غیره مصرح است همان شخص "کیقباد" کرد بوده است. اکراد قسمت آرات [قفقاز] از سی و هفت قرن قبل از میلاد مظهر عملیات سیاسی بوده و با ملل سومر، آکاد و عیلام برخورد داشته‌اند (ص ۱۶۰) ... پس از فوت گرشاسب آخرین پادشاه سلسله پیشدادی، پارس و ماد دچار فترت شد ... لذا تمام رؤسای قبایل ماد و پارس عموماً جمع شده و برای خاتمه دادن به دوره فترت و حفظ کشور ماد و پارس از حملات و تجاوزات آشور، کیقباد کرد را که به عقل و عدل و کفایت معروف بوده است به سلطنت برگزیدند (ص ۱۶۱) ... کیقباد برای مقابله با حملات آشور ارتش منظمی تشکیل داده و قلمرو خود را گسترش داد و اکباتان (همدان) را پایتخت خود کرد" (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۱، ۱۶۳-۱۵۶).

اتصال ریشه تاریخ کردها به اقوام آریایی و نیز دولت مادها که منجر به تأسیس امپراطوری‌های بزرگ ماد و هخامنشی گردید در ذهن هر فرد کردی نوعی احساس افتخار و حق داشتن دولت را پدید می‌آورد. به ویژه اینکه این مردم در بستر تاریخ خود، یگانگی قومی و فرهنگی و تمایز با اقوام و ملت‌های پیرامونی نظیر ترک، عرب، فارس و غیره را حفظ نموده و دارای وطن و سرزمین ویژه خود همراه با تداوم تاریخی استقرار در آن بوده و از فضای جغرافیایی گسترده دارای منابع زیستی و انرژی و نیز جمعیت قابل توجه برخوردار است. علاوه بر این دارای سابقه تاریخی خودگردانی، چه در عهد خلافت عثمانی و چه در قرون ۱۹ و ۲۰ می‌باشد و براساس پیمان سور^۵ (۱۹۲۰) از حق مسلم تأسیس دولت مستقل برخوردار بوده که این حق با توسل به زور توسط آتاتورک از آنها سلب شده است (Ali, 2003, 5-7).

5. Treaty of Sevres.

علاوه بر ریشه و هویت تاریخی، کردها از هویت اکولوژیک نیز برخوردارند. بدین معنی که آنها دارای سرزمینی کوهستانی ویژه با مشخصات جغرافیایی خاص بوده و با آن روابط متقابل اکولوژیک دارند که مفهوم وطن را پیدا می‌کند. این سرزمین در طول تاریخ و از هزاره دوم قبل از میلاد به آنها تعلق داشته و به طور پیوسته در آن ساکن بوده‌اند (Galie & Yildiz, 2005, 49). هویت اکولوژیک و شکل‌گیری مفهوم وطن و رابطه عاطفی با سرزمین و زیستگاه، زیرساخت احساس حق شهروندی و خودگردانی را تشکیل می‌دهد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳، ۱۴ و ۳۱) (Glassner, 1993, 535).

کردها از نظر ساختار فرهنگی دارای باورها، انگاره‌ها، ادبیات، موسیقی، رقص، جشن‌ها، هنر، آداب و رسوم، الگوی لباس، شیوه معیشت سنتی و نظایر آن هستند که مخصوص کردهاست و آنها را از سایر اقوام متمایز می‌کند (Natali, 2005, xx). حتی عید نوروز که سنت عمومی گسترده‌ای در بین ایرانیان و اقوام وابسته می‌باشد در بین کردها از شور و هیجان زائدالوصفی برخوردار است. نگارنده در سال ۱۳۸۵ شاهد برگزاری مراسم جشن نوروز کردها در فرانسه و آلمان بوده است و اینکه چگونه این مراسم باعث همکاری حدود چهارده تشکل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از کردهای کشورهای ایران، ترکیه و سوریه گردیده است. مراسم عید نوروز از مفهوم سیاسی نیز برخوردار شده است و به تدریج به عامل همگرایی بین جناح‌های کردی از کشورهای مختلف از سوئی و تقابل با دولت حاکم از سوی دیگر تبدیل می‌گردد.

سیاست دولت‌های خاورمیانه نسبت به هویت اقلیت کرد خود متفاوت بوده است. ترکیه از زمان کمال آتاتورک، هویت کردها را نفی نموده و اساساً آنها را ترک و آن هم ترک کوهستان شناخته است. ایران هویت و موجودیت کردها را به رسمیت شناخته ولی آنها را از نظر قومی و نژادی شاخه‌ای از ایرانیان دانسته که بخشی از ایران را شامل می‌شود. عراق گفته است که ما عرب هستیم و شما کرد ولی هر دو عراقی هستیم و ما به عنوان بخشی از دنیای عرب، خودمختاری شما را در کلیت عراق تضمین می‌کنیم (Arfa, 1966, 159). سوریه نیز هویت کردها را به طور کلی نفی نموده و سیاست عربیزه کردن سرزمین آنها را اجرا کرده است و از دادن حق شهروندی و مالکیت به آنان امتناع کرده است (Galie & Yildiz, 2005, 7).

سیر تحول خودگردانی کردها

حوادث تاریخی دو قرن اخیر و تجارب ملت- دولت‌سازی در خاورمیانه به پیدایش و رشد اندیشه سیاسی دولت در بین کردها منجر گردیده است و باور اندیشه خودگردانی در اشکال مختلف از خودمختاری تا تأسیس دولت مستقل وجه مشترک آرمان سیاسی کردها در قرون ۱۹ و ۲۰ بوده و جوهره اصلی تقلای سیاسی کردها در منطقه خاورمیانه را تشکیل داده است و امروزه نیز تلاش کردها بر همین محور استمرار دارد.

تقسیم کردها بین دولت‌های منطقه در گذشته و تأثیرپذیری هر بخش از فضای سیاسی و الگوهای تعاملی این اقلیت با دولت مرکزی مربوطه و نیز گرایش نخبگان کرد، باعث پیدایش ناسیونالیسم کردی خاصی در هر کشور شده است که از قبیله‌گرایی تا سکولاریسم و سوسیالیسم چپ‌گرا را تشکیل می‌دهد، لکن چیزی که هویت مشترک کردها را در بین کشورهای خاورمیانه شکل می‌دهد مفهوم کردایتی^۶ است که به عقیده ناتالی نوعی ملی‌گرایی قومی^۷ را پدید می‌آورد (Natali, 2005, 183). در واقع کردایتی قادر است به عنوان نیروی قدرتمند و رو به گسترش به صورتی فراگیر ناسیونالیسم کردی و اندیشه سیاسی دولت مستقل کردی در خاورمیانه را مطرح نموده و از حمایت افکار عمومی کردها برخوردار گردد (۱).

درباره شکل‌گیری و آغاز جنبش سیاسی خودگردانی کردها نظرات متفاوتی وجود دارد. عثمان- علی معتقد است کردها از حدود پنج قرن پیش و در دوران حاکمیت عثمانی‌ها از نوعی استقلال دفاکتو و دولت نیمه مستقل برخوردار بوده‌اند و بر نواحی کردنشین در قالب امارات مختلف حکمرانی داشته‌اند (۲) (Ali, 2003, 5). کریس کوچرا جنبش ملی کردها را به سه مرحله تقسیم می‌کند ۱- مرحله فتودالی و قبیله‌ای که از زمان عثمانی‌ها و توسط امیر بدرخان در سال ۱۸۴۴ م. آغاز شد که با شکست او نیز به پایان رسید. ۲- مرحله مذهبی که توسط شیوخ رهبری شد و آغازگر آن شیخ عبید الله بود. ۳- مرحله سیاسی که با تشکیل انجمن‌ها در اوایل قرن بیستم و سپس تشکیل احزاب سیاسی پس از جنگ جهانی دوم به ویژه حزب هیوا در عراق (۱۹۴۱)، کومله (۱۹۴۲) و دموکرات کردستان (۱۹۴۵) در ایران و دموکرات عراق (۱۹۴۶) و حزب کارگران PKK در ترکیه توسعه پیدا کرد (کوچرا، ۱۳۸۱، ۲۲-۹).

6. Kurdayeti.

7. Ethno nationalism.

بسیاری از نویسندگان آغازگر جنبش ناسیونالیسم و خودگردانی سیاسی کردها را شیخ عبید الله در سال ۱۸۸۰ میلادی م. می‌دانند که بر فضای وسیعی از منطقه کردنشین شامل محدوده‌ای بین دیار بکر، وان، ارومیه، مهاباد، اربیل، موصل و قامشلی حکومت می‌کرد (Izadi, Hussein, 1990, 32; Koochi Kamali, 2003, 39). این منطقه بخش مرکزی قلمرو کردنشین خاورمیانه را شامل می‌شود. بنابراین تمامی کردهای کشورهای منطقه را متوجه خود ساخته و تجلی حکومت یکپارچه و فراگیر کرد در خاورمیانه نیز محسوب می‌شود.

شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری باعث تحولاتی در قلمرو سرزمین کردها شد. از جمله امضاء پیمان سور بود که بین متحدین پیروز جنگ و دولت عثمانی در ۱۰ آگوست ۱۹۲۰ منعقد شد. بر اساس مواد ۶۲ و ۶۴ این پیمان خودگردانی کردها در شکل استقلال سیاسی به رسمیت شناخته شد. قلمروهای پیشنهادی دولت کردی در قرارداد مزبور تا اندازه‌ای بر جنوب منطقه کردنشین ترکیه تطبیق داشت و قرار شد کردهای شمال عراق که در قالب ولایت موصل شناخته می‌شدند و در آن زمان تحت قیمومیت انگلستان بودند در صورت تمایل به دولت جدید کردی ملحق شوند (Koochi-Kamali, 2003, 28; Yildiz, 2005, 10; Olson, 1996, 85).

گام رسمی در تحقق خودگردانی و تأسیس دولت کرد در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. با تأسیس دولت ترکیه جدید و روی کار آمدن دولت ناسیونالیست ترکی (به رهبری کمال آتاتورک) قرار داد مزبور نادیده گرفته شد و شورش‌های کردی ترکیه در سال‌های ۱۹۲۵ م. و ۱۹۳۰ م. و ۳۸-۱۹۳۷ م. به شدت سرکوب گردید. بدین ترتیب جنبش کردی در ترکیه [به دلیل سیاست سرکوب شدید دولت ترکیه و نفی هویت کردها]، تا تأسیس حزب کارگران کردستان در دهه ۱۹۷۰ به تعویق افتاد (Olson, 1996, 85).

همزمان نیز در سایر مناطق کردی جنبش‌های دیگری رخ داد از جمله، شورش شیخ محمود در منطقه سلیمانیه و شمال عراق در ۲۴-۱۹۱۹ که به تناوب حکومت او را نیز به دنبال داشت (عمرگل، ۱۳۸۱، ۲۸-۲۵). اقتدار دولت‌های جدید ایران و ترکیه و سیاست برخورد آنها در بین دو جنگ و نیز اقتدار انگلستان در عراق مانع از گسترش جنبش‌های کردی گردید. هر چند برخی از جنبش‌های مزبور بر حق خود مبتنی بر پیمان سور تأکید داشتند. جنگ جهانی دوم و پیدایش خلاء قدرت در منطقه به ویژه اشغال نظامی ایران از سوی متفقین فرصت جدیدی را در برابر جنبش ملی کرد قرار داد. این فرصت و با

حمایت شوروی، زمینه را برای تأسیس دولت کردی در سال ۱۹۴۶ م. در شهر مهاباد به ریاست قاضی محمد فراهم کرد. این دولت حدود یازده ماه حکومت نمود و با عقب‌نشینی نیروهای شوروی و سلب حمایت آن و با ورود ارتش ایران به مهاباد سقوط نمود. قاضی محمد در روز تأسیس جمهوری کردستان در شهر مهاباد خطاب به مردم چنین گفت:

"مردم کرد مردمی تنها هستند، سرزمین شان غصب و تقسیم شده است و از ابتدایی‌ترین حقوق که عبارت از حق تعیین سرنوشت باشد بی‌بهره‌اند" (مقصودی، ۱۳۸۰، ۲۱۳-۴).

جنبش سیاسی خودگردانی کردها پس از جنگ جهانی دوم در ترکیه و ایران و سوریه به دلیل اقتدار سیاسی دولت مرکزی آنها به شدت تضعیف شد ولی در عراق با تلاش‌های ملا مصطفی بارزانی و نیز در پرتو منازعه ایران و عراق ادامه پیدا کرد (ناظمیان، ۱۳۸۱، ۲۴۹-۲۴۲).

در ترکیه حزب قدرتمند و منظم کارگران کردستان (PKK)^۸ با ایدئولوژی چپ‌گرایانه و استراتژی مسلحانه و با هدف استقلال کردستان در سال ۱۹۷۴ م. با خاستگاه دانشجویی به رهبری عبدالله اوجالان تشکیل و جنبش سیاسی کردها در ترکیه را جان تازه‌ای بخشید (BBC, 26 March 2006). ایدئولوژی این حزب مخلوطی از مارکسیسم و لنینیسم و ملی‌گرایی افراطی و با هدف نهایی تأسیس کردستان بزرگ و مستقل شامل نواحی کردنشین ترکیه، عراق، ایران و سوریه بود (Guenter, 1988, 494-5). جنگ ایران و عراق نیز به بازخیزی جنبش‌های کردی در شمال عراق در قالب احزاب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان کمک کرد.

تحول دیگری که به تقویت جنبش‌های کردی منجر شد، اشغال کویت در ۱۹۹۰ م. توسط عراق بود که به دنبال آن نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، عراق را در ۱۹۹۱ م. از کویت بیرون راندند و کردها جان تازه‌ای گرفته و با خیزش خود در سال ۱۹۹۱ شهر کرکوک را آزاد کردند. عراق حمله مجدد خود را پس از شکست در کویت و جنگ اول خلیج فارس در مارس ۱۹۹۱ به منطقه کردستان آغاز کرد که منجر به فرار گسترده کردها به سمت ایران و ترکیه شد (Yildiz, 2004, 33-44). این اقدام با واکنش جامعه بین‌المللی روبرو گردید و قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را نتیجه

8. Partiya Karkaren Kurdistan (PKK) = Kurdish Workers Party.

داد. این قطعنامه زمینه را برای تأسیس منطقه آزاد و پرواز ممنوع در شمال مدار ۳۶ درجه و جنوب مدار ۳۳ درجه فراهم کرد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۹۸). قطعنامه مزبور برای کردها منطقه امنی ایجاد کرد که زمینه را برای توسعه خودگردانی که نهایتاً به تأسیس فدرالیسم در عراق منجر شد فراهم کرد. این قطعنامه بعد از ۱۹۲۰ و پیمار سور اولین اقدام بین‌المللی در دفاع از ملت کرد به حساب می‌آید (برزنجی، ۱۳۸۱، ۹۱).

جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳ که منجر به سقوط صدام حسین و تحول سیاسی در عراق شد موقعیت کردها را نه تنها در شمال عراق بلکه در سطح دولت ملی بهبود بخشید. آنها توانستند پست ریاست جمهوری و وزارتخانه‌های عمده دولت عراق را به دست گیرند و بر فرآیندهای سیاسی و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید عراق تأثیر بگذارند. کردستان شمال عراق نیز در قالب ایالت فدرال و آن هم با اختیارات گسترده و رسمی به حیات خود ادامه داده و اصول ۱، ۴، و ۱۱۳ قانون اساسی عراق اختیارات قانونی لازم را به حکومت منطقه‌ای کردستان^۹ اعطا می‌کند (www.Krg.org 08/03.2006). این حکومت در راستای آرزوی دیرینه کردها پدید آمده و به ایجاد و تقویت تأسیسات و نهادهای مورد نیاز، آنها را به هویت کردی می‌پردازد. به عبارتی هویت کردی را نیز توسعه می‌دهد که برای هر فرد کردی در جهان مایه مباهات می‌باشد. اندیشه سیاسی فدرالیسم به عنوان پارادایم غالب نه تنها در کردستان عراق بلکه در بین اکراد سایر کشورهای خاورمیانه نیز توسعه می‌یابد (BBC, 16 August 2005). اندیشه تأسیس دولت مستقل و فراگیر کرد در خاورمیانه نیز همچنان از سوی برخی نخبگان کرد تبلیغ می‌شود و حمایت برخی محافل غیرکردی را نیز به همراه دارد. برای نمونه می‌توان به درخواست کتبی کنگره ملی کردستان مستقر در لندن از رئیس جمهور آمریکا مبنی بر تأسیس دولت مستقل کرد در خاورمیانه (Kurdistan National Congress, 2005) و یا به حمایت نوام چامسکی زبان‌شناس معروف آمریکایی از تأسیس دولت مستقل کرد در خاورمیانه اشاره کرد (Kurdistan Observer, 27.04.2006). هرچند رهبران سیاسی کرد در عراق از جمله رئیس جمهور طالبانی و رئیس پارلمان منطقه‌ای کردستان تأسیس دولت مستقل کرد را به دلیل تنگنای جغرافیایی و درگیری با همسایگان امکان‌پذیر نمی‌دانند (Musimovic, 2002).

9. Kurdistan Regional Government(KRG).

زمینه‌های تأثیر گذاری خودگردانی شمال عراق بر منطقه

در این بررسی تأثیر خودگردانی شمال عراق بر سیستم‌های پیرامونی و ملی در حوزه‌های ذهنی - عاطفی، سیاسی و منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- تأثیر ذهنی - عاطفی

اصل استقرار خودگردانی کردها در شمال عراق که در پی تقلا، ناکامی و انتظار بلند مدت حاصل آمده است حادثه‌ای بسیار دلگرم‌کننده و مسرت‌آمیز برای آنها محسوب می‌شود. پایداری این حکومت به مدت ۱۵ سال نسبت به تجارب گذشته، در اشکال دوفاکتو و دوژوره و رسمی شده آن در چارچوب حکومت فدرال عراق و نیز حمایت سیستم بین‌المللی از آن سطح اطمینان و امیدواری را در کردهای عراق و خاورمیانه افزایش داده و و اعتماد به نفس آنها را سبب گردیده است.

حکومت خودگردان شمال عراق با استفاده از امکانات خود و نیز فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی به سرعت سرگرم ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی، اداری و قانونی خود و پیدا کردن شکل کامل یک سازمان حکومتی است. ایجاد نهادهای حکومتی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، حقوقی، آموزشی، عمرانی، اداری، خدماتی و غیره) به بقا و تحصیل اهداف توسعه‌ای آن کمک می‌نماید. آنها توانسته‌اند ارزش‌هایی چون دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، لائیسزم، آزادی بیان، فعالیت مطبوعاتی، تعامل با نهادهای بین‌المللی و جهانیان، ارتباطات الکترونیکی و رسانه‌ای، کثرت‌گرایی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد آزاد، همزیستی با همسایگان، امنیت، توسعه اقتصادی، عمران منطقه‌ای و نظایر آن را در شمال عراق تجربه نمایند (نظرات ابراز شده توسط متخصصین در مصاحبه‌ها؛ *Rieciardone, 2000, 10; Nezan, 1997*).

آنها در تلاشند تا مدل قابل پذیرش برای سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز مطلوب برای کردها پایه‌گذاری کنند. اگر آنها در این پروژه موفق شوند نه تنها علاقه‌مندی کردهای خاورمیانه نسبت به خود بر پایه عنصر اشتراک و تعلق قومی را خواهند داشت، بلکه از موقعیت الگویی نزد کردها برخوردار شده که برای آنها جذاب و محرک خواهد بود کما اینکه به تدریج اندیشه سیاسی فدرالیسم از مدل شمال عراق در بین کردهای سایر کشورها انتشار می‌یابد. در ارتباط با اثر ذهنی - عاطفی خودگردانی شمال عراق بر کردهای

منطقه، دوئین روزنامه‌نگار واشنگتن تایمز که از نزدیک شاهد بوده است ابراز می‌دارد که "کردستان عراق به مرکز عاطفی ۲۵ میلیون کرد جهان که در مناطق کوهستانی و نفت‌خیز سوریه، ترکیه، ایران و عراق پراکنده‌اند تبدیل شده است". او معتقد است کردستان یک ملت غیر رسمی است که از عناصر لازم برخوردار است (Duin, 2004, 18). در همین رابطه خالد می‌نویسد؛ "مقامات ترکیه شدیداً نگران خودمختاری و در نهایت استقلال کردها و تبدیل کرکوک به پایتخت فکری-سیاسی کردستان ۲۷ میلیون نفری می‌باشند" (Khaled, 2005, 4).

استانسفیلد معتقد است: "موفقیت‌های اخیر کردها در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ عراق، ناسیونالیسم کردی و احساس جدایی‌طلبی را تقویت کرده است" (Stansfield, 2005, 5-6). فدرالیسم شمال عراق نیز نگرانی ترکیه و تاحدودی ایران و سوریه را افزایش داده و بر تقویت انگیزه کردهای ترکیه برای تداوم مبارزات سیاسی خود تأثیرگذار است (قهرمان پور، ۱۳۸۴، ۳۳).

ناتالی ابراز می‌دارد که از اوایل دهه نود (۱۹۹۰) ظهور جهانی شدن و فرآیندهای فرا ملی فضای سیاسی منطقه را تغییر داده و عنصر "کردایتی" در سراسر کردستان به شدت قومی شده است. به دنبال این تحولات پروژه‌های ملی‌گرایی کردها نیز تحول پیدا کرده و ملی‌گرایی کردی با مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، خودگردانی و ایدئولوژی‌های فرا سرزمینی پیوند خورده است (Natali, 2005, 183). تأثیر ذهنی-عاطفی مزبور را همچنین می‌توان در گسترش نمادهای حکومت خودگردان و نیز هم‌نوایی و سمپاتی بین کردهای خاورمیانه و حتی اروپا مشاهده کرد. پرچم جمهوری خودگردان که در واقع همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م است به صورت نماد ملی کردها در جهان در آمده و آن را در مراسم مختلف به نمایش می‌گذارند. ملا مصطفی بارزانی به عنوان مظهر مبارزه در بین کردها محبوبیت پیدا کرده است و مجسمه‌ها و تصویرش در مراسم به نمایش گذاشته می‌شود (Demanu, 20-26 Mart 2006, 4 & peyama Kurd, 10/3/2006:12). مراسم عید نوروز به عنوان نماد فرهنگی، عامل پیوند کردهای خاورمیانه و اروپا شده و به همگرایی سازمان‌ها و نهادها و نخبگان کرد در کشورهای مختلف کمک می‌کند (مراسم عید نوروز کردها در آلمان و فرانسه در مارس ۲۰۰۶).

اندیشه ناسیونالیسم کردی نیز در بین کردهای منطقه تقویت گردیده است و کردستان عراق امروز به مرکز تبلیغ و ترویج این اندیشه‌ها و سرایت آن به کشورهای همسایه تبدیل شده است (مهری‌پور، ۱۳۸۱، ۵۶).

دیدار دبیر و هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران با رهبران کردستان عراق برای تبریك تصویب فدرالیسم کردی در قانون اساسی عراق (BBC, 04/2004) و نیز جشن تعدادی از کردهای ایران در شهر مهاباد به مناسبت انتخاب طالبانی به عنوان رئیس جمهور عراق و نیز مسعود بارزانی به عنوان رئیس حکومت خودگردان شمال عراق نمونه دیگری از تأثیر عاطفی و روحی این پدیده برای کردهای منطقه است (BBC, 18/7/2005). از سویی دیگر در قلمرو حکومت خودگردان فعالیت‌های گسترده فرهنگی اعم از انتشار کتب و مجلات، بازساخت و توسعه زبان کردی و مسأله خط، انتشار نشریات، سمینارها و فستیوال‌های فرهنگی، موسیقی، ادبیات، یادمان شخصیت‌های کردی و تاریخ کردستان و نظایر آن انجام می‌شود که مورد علاقه کردهای سایر کشورها نیز می‌باشد (قربانی‌نژاد، ۱۳۸۴، ۴۷).

اخبار و محتوای این فعالیت‌ها از طریق رسانه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی به صورت گسترده پخش می‌شود و کردها با هویت و فرهنگ خود پیوند مجدد می‌خورند. کردها مردمانی حساس و وفادار نسبت به ارزش‌های فرهنگی و زبان خود هستند و همواره یکی از موضوعات مورد بحث آنها در اندیشه خودمختاری و تعامل با دولت‌های مرکزی، مسأله فرهنگ و زبان کردی بوده است. بنابراین اقدامات حکومت خودگردان در پردازش، ارتقاء و ترویج فرهنگ، تاریخ و زبان کردی و انتشار آن توسط رسانه‌ها، می‌تواند باعث گسترش علاقه کردهای جهان و منطقه خاورمیانه به حکومت خودگردان شمال عراق شده و محبوبیت آن را افزایش دهد و از آن‌گویی ایده‌آل و آرمانی در ذهن کردهای سایر مناطق ایجاد نماید.

در مصاحبه‌های انجام شده با متخصصین مسایل کردستان نیز عموماً آنها عقیده داشتند که در اثر خودگردانی شمال عراق احساسات ملی‌گرایانه مردم کرد در کل منطقه تقویت شده و بروز پیدا کرده است. همچنین کردهای کشورهای همسایه از این پدیده استقبال نموده و از آن پشتیبانی و هواداری می‌نمایند. آنها از این رویداد قوت قلب گرفته و به آینده امیدوار هستند و انتظار دارند که در کشورهای خودشان فرصت‌های بیشتری

در اختیار آنها گذاشته شود. همچنین پس از تأسیس خودگردانی فعالیت‌های فرهنگی و ارزش‌های کردی در تمام منطقه توسعه یافته و ارتباطات اجتماعی بین کردهای منطقه خاورمیانه و شمال عراق گسترش پیدا کرده است و این خود باعث معرفی بیشتر حکومت خودگردان نزد کردهای سایر کشورها شده است.

۲- تأثیر سیاسی

تأثیر سیاسی خودگردانی شمال عراق بر کردهای منطقه را می‌توان در حوزه روابط با دولت‌های مرکزی آنها ردیابی کرد. از دهه نود (۱۹۹۰) به این سو کردها کنش‌های سیاسی-اجتماعی خود را توسعه داده و خواسته‌های خود را به صورت علنی‌تر از دولت‌ها مطرح کرده‌اند. این خواسته‌ها به نوعی طرح مجدد خواسته‌های دیرینه نظیر آزادی و ترویج زبان و فرهنگ کردی، رفع تبعیض اقتصادی-اجتماعی و عمران منطقه‌ای، داشتن اختیارات و حق مشارکت سیاسی در امور محلی و نظایر آن می‌باشند این کنش تحت تأثیر عوامل مختلفی توسعه پیدا کرده است: از جمله موفقیت کردها در ایجاد حکومت خودگردان شمال عراق، جلب توجه نظام بین‌المللی در مسایل کردها، جهانی شدن مسایل کردستان از طریق رسانه‌های عمومی پس از استقرار حکومت خودگردان، حمایت آمریکا و اروپا و سیستم بین‌المللی از کردها، عوامل ملی نظیر تلاش ترکیه جهت عضویت در اتحادیه اروپا که با تأمین حقوق کردها پیوند خورده است، گشایش فضای سیاسی در ایران پس از انتخابات ۱۳۷۶، فوت حافظ اسد در سوریه، نحوه عمل احزاب سیاسی کرد و نظایر آن. نقش مؤثر حکومت خودگردان شمال عراق در این فرآیند اولاً ایجاد باور، دلگرمی و امیدواری کردها به اینکه آنها قادرند سرنوشت خود را علی‌رغم تجارب و ناکامی‌های گذشته به دست بگیرند بوده است. ثانیاً قلمرو حکومت خودگردان در شمال عراق به سطح اتصال کردستان به نظام بین‌الملل تبدیل شده و دولت‌ها و رسانه‌های بین‌المللی و محلی، سازمان‌های غیرحکومتی، نخبگان کردی در رابطه با این منطقه قرار گرفته و با مسایل کردستان آشنا شده‌اند. به عبارتی شمال عراق پایگاه ارتباط کردستان با جهان خارج شده و کردها توانسته‌اند علی‌رغم تمایل دولت‌های ملی، مسایل و صدای خود را به گوش جهانیان و سازمان‌های بین‌المللی برسانند و از این طریق فشار دولت‌های مربوطه بر

اعتراضات برخی خواست‌ها نیز مطرح می‌شد و نماینده مه‌باد عوامل امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و تحولات شمال عراق را عامل ارتقای خواست‌ها و مطالبات انباشته شده مردم دانست (BBC, 01, 14 August 2005).

در ارتباط با این ناآرامی‌ها نمایندگان کرد مجلس از استان‌های مختلف اعم از شیعه و سنی فراکسیون کرد را تشکیل دادند تا بتوانند مطالبات مدنی مردم را پیگیری نمایند. این واقعه منعکس‌کننده اصالت‌یابی هویت قومی در برابر هویت مذهبی است. در کنار ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی مزبور، گروه پژاک به عنوان شاخه حزب کارگران کردستان ترکیه PKK نیز عملیات خود را علیه نیروهای امنیتی ایران توسعه داد (روزنامه همشهری، ۲۵/۵/۸۴؛ روزنامه ایران، ۲۲/۸/۸۴ - ۲۴/۵/۸۴؛ BBC 21/11/2005, 27 October 2005).

هرچند بین ناآرامی‌های سال گذشته با فعالیت‌های گروه پژاک رابطه‌ای وجود ندارد ولی فاینشال تایمز چاپ لندن ضمن اشاره به اینکه پژاک شاخه‌ای از PKK است، اعلام داشت تنش در کردستان ایران پس از حمله آمریکا به عراق افزایش یافته است (روزنامه آفتاب، ۲۰/۴/۸۴، ۱۱).

علاوه بر این، جریان اصلاح‌طلب کرد، مطالبات فرموله شده‌ای را از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوره نهم (۱۳۸۴) مطرح کرد و رأی دادن به آنها را موکول به پذیرش آن نمود. در بین مطالبات مزبور بر آموزش رسمی زبان کردی، بازگشت کردهای خارج از کشور، آزادی نشر مطبوعات کردی، رفع توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای و تبعیض اجتماعی، مشارکت سیاسی در سطح منطقه‌ای و ملی تأکید شده است (قربانی‌نژاد، به نقل از هفته‌نامه سیروان، شماره ۳۶).

مجموع این حوادث و رویدادهای سیاسی و امنیتی حاکی از پیدایش پتانسیل تحول در منطقه کردنشین ایران تحت تأثیر فضای سیاسی منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. در ترکیه از زمان روی کار آمدن کمال آتاتورک تا اوایل دهه نود (تقریباً هفتاد سال) دولت مرکزی آن سعی بر نفی هویت کردها و اطلاق عنوان ترک‌های کوهستان به آنها را داشته و محدودیت‌های قانونی و اجرایی بر سر زبان و فرهنگ کردی ایجاد کرده است (Gurr & Harff, 1994, 37). ولی فشارهای بلند مدت سیاسی، اجرایی، نظامی و امنیتی مانع از بازخیزی هویت کردی نگردیده است. تأسیس حزب کارگران کردستان یا PKK در ۱۹۷۴م و شروع دوره مبارزات مسلحانه که علی‌رغم دستگیری اوجالان رهبر

حزب، همچنان به صورت گسترده ادامه دارد نهضت کردی ترکیه را وارد مرحله جدیدی نمود که دولت ترکیه و ارتش آن را برای نابودی آن تاکنون ناکام گذاشته است. کردهای ترکیه نیز در قالب این حزب و یا روش‌های دیگر اعتراضات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را ادامه داده و به طرح خواست‌های خود از دولت ترکیه پرداخته‌اند. آنها در انتخابات ۱۹۹۵ پارلمانی ترکیه پیروزی قابل توجهی کسب کردند که منعکس‌کننده قدرت جنبش سیاسی کردستان ترکیه می‌باشد (Bozarsalan, 1996, 151).

ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی ترکیه در ارتباط با کردها و PKK همچنان ادامه دارد و از انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی نیز برخوردار است (BBC, 2/4/2006; 26/3/2006; 29/3/2006; 31/3/2006) که خود به چارچوبی برای مبارزه با دولت ترکیه تبدیل شده است. هرچند اوجالان رهبر PKK اهداف جدایی‌طلبانه و استقلال کردستان از ترکیه را در شرایط بازداشت خود تعدیل نموده و بر وفاداری نسبت به ترکیه تأکید نموده است (koohi Kamali, 2003, 219) ولی فعالیت‌های PKK همراه با بستر اجتماعی خود گسترش یافته و به مرزهای ایران و شمال عراق نیز سرایت کرده است. در حال حاضر ترکیه از حیث ناآرامی سیاسی و امنیتی در مناطق کردنشین وضعیت حادثری نسبت به دیگر کشورها دارد.

ترکیه در کنار چالش فزاینده سیاسی - نظامی PKK پس از ۱۹۹۱م با دو چالش برون مرزی در ارتباط با کردها روبرو گردیده است. یکی چالش تأسیس خودگردانی در شمال عراق که بر ترکیه تأثیر گذاشته است (Olson, 1996, 3) و دیگری چالش تحصیل شرایط خاص برای عضویت در اتحادیه اروپا، از جمله بهبود وضع کردها از نظر دموکراسی و حقوق بشر و اختیارات منطقه‌ای و غیره (Natali, 2005, 188).

دولت ترکیه در واکنش نسبت به این چالش‌ها ناگزیر از تغییر سیاست سنتی خود بر علیه کردها گردیده است. تورگوت اوزال^{۱۰} در ۱۹۹۱ به عنوان رئیس جمهور ترکیه سیاست تعدیل نسبت به کردها را اعلام کرد. او در پاسخ به فشارهای بین‌المللی و رشد توجه کردهای ترکیه به طغیان کردها در شمال عراق، کاربرد عمومی زبان کردی را قانونی اعلام نمود و ملاقات با رهبران کرد عراقی را به رسمیت شناخت و پیشنهاد عفو چریک‌های کرد را داد که با مخالفت برخی نظامیان و سیاستمداران راست‌گرای ترکیه

10. Turgut Ozal.

مواجه گردید (Gurr & Haff, 1994, 38; White, 2000, 162). با روی کار آمدن دولت رجب طیب اردوغان و نیز بالا گرفتن ناآرامی‌های سیاسی-امنیتی و همچنین تکامل خودگردانی شمال عراق و تشدید اقتدار در بین کردها برای طرح خواست‌ها و نیز تأمین نظرات اتحادیه اروپا در رابطه با کردها، دولت ترکیه دست به سلسله اصلاحات و اقدامات تعدیلی زد که عبارتند از:

- ۱- پایان دادن به دوران طولانی حکومت نظامی در مناطق کردنشین
- ۲- مجاز دانستن آموزش زبان کردی در مدارس خصوصی
- ۳- کمک به پرداخت غرامت به روستاییان آواره و آسیب‌دیده در جریان عملیات (BBC, 11 March 2006).
- ۴- آغاز به کار رادیو و تلویزیون‌های کردی در جنوب شرق ترکیه و کاربرد زبان کردی (BBC, 23 March 2006).

اردوغان همچنین حل مسأله کردها را در گرو دموکراسی بیشتر دانسته و قول گسترش آن را به کردها داده است (BBC, 31/8/2005). اظهارات اردوغان با استقبال محافل مختلف از جمله حزب PKK روبرو شد. ولی علی‌رغم این اقدامات همچنان بخش کردنشین ترکیه درگیر ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی و نظامی می‌باشد که به محوریت حزب PKK و نیروهای نظامی ترکیه انجام می‌شود. ترکیه به شدت نگران تأثیرگذاری تحولات شمال عراق بر منطقه کردنشین خود می‌باشد و بر این باور است که تأسیس دولت مستقل کردی در شمال عراق باعث تشدید تمایلات جدایی‌طلبانه کردها شده و وحدت دولت ترکیه را به خطر می‌اندازد (Stansfield, 2005, 20).

در سوریه جمعیت کردها و فضای جغرافیایی مربوطه نسبت به ترکیه، ایران و عراق محدودتر است. فشارهای دولت سوریه در گذشته و انکار هویت و حقوق آنها به از هم‌پاشیدگی کردها کمک کرده است. سیاست رسمی سوریه در جهت محو کامل هویت و حقوق کردها از اوایل دهه ۱۹۷۰م به اجرا گذاشته شده است (Mcdowall, 1998, 25). بنابراین این اقلیت اگرچه با جمعیتی ۱/۵-۲ میلیون نفر در رده دوم کشور قرار دارد ولی رمق چندانی برای طی فرآیند سیاسی و چانه‌زنی با حکومت مرکزی را نداشته است. با وجود این تحولات منطقه به ویژه شمال عراق کردهای سوریه را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. جنبش سیاسی کردهای سوریه نیز شکل گرفته و در حال حاضر تعدادی حزب

سیاسی کردی به صورت غیرقانونی در سوریه فعالیت می‌کنند و هیچ‌کدام روش خشونت‌آمیز را برای طرح مطالبات خود با دولت مرکزی در پیش نگرفته‌اند و از اقداماتی که متهم به جدایی‌طلبی شوند نیز پرهیز می‌کنند. ولی خواست‌های خود را به صورت مسالمت‌آمیز در راستای شناسایی فرهنگی و تأمین حقوق انسانی برای اقلیت کرد مطرح می‌نمایند. در سال ۲۰۰۲ بشار اسد از استان الحسکا و منطقه کردنشین بازدید کرد و قول تأمین خواست‌های آنان را داد. ولی در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۴ م گروهی از کردها در دمشق به مناسبت روز بین‌المللی حقوق بشر تظاهرات مسالمت‌آمیز انجام دادند که توسط پلیس سرکوب شد. همچنین در مارس ۲۰۰۴ هنگام مراسم معترضین کرد نسبت به کشتار برنامه فوتبال در استادיום قامیشلی، نیروهای امنیتی سوریه به شدت آنان را سرکوب کردند که در حدود ۲۵ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی و دستگیر شدند و در حدود ۲۵۰۰ نفر به زندان انداخته شدند (Gali & Yildiz, 2005, 51-2). کردهای سوریه در خارج از کشور نیز فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز خود را شروع کرده‌اند مثلاً سازمان اروپایی اتحادیه دموکراتیک کردستان سوریه در اکتبر ۱۹۹۹ م راهپیمایی و اعتراض مسالمت‌آمیزی را در بن آلمان برای شناسایی موجودیت و حقوق کردها در قانون اساسی برگزار نموده است (Badruddin, 1999, 226).

این حوادث نشان از شکل‌گیری جنبش سیاسی در بین کردهای سوریه از اواخر دهه نود را دارد که به نوعی متأثر از تحولات شمال عراق و حتی ترکیه می‌باشد. در برابر آن سیاست دولت سوریه نیز شدید بوده که اعتراض عفو بین‌الملل را نیز به همراه داشته است. بررسی‌های به عمل آمده در خصوص رویدادها و حوادث سیاسی-اجتماعی و امنیتی در مناطق کردنشین کشورهای همسایه عراق حاکی از آن است که کردستان عراق در بخش مرکزی سیستم به عنوان پیشتاز تحولات عمل نموده و بر روحیه و طرز فکر سیستم حاشیه و مناطق کردنشین کشورهای همسایه اثر گذاشته و با قرار گرفتن در موقعیت الگویی باعث انگیزه، تصمیم و کنش سیاسی در آنها شده که روابط آنها را با دولتهایشان دچار تحول می‌نماید.

۳- تأثیر منطقه‌ای

از آنجایی که کشورهای ایران، ترکیه و سوریه دارای اقلیت کرد می‌باشند، علی‌رغم داشتن دیدگاه‌ها و رفتار متفاوت در برخی امور منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز علی‌رغم

رقابت‌های درون منطقه‌ای که بین ایران و ترکیه در خاورمیانه و قفقاز و آسیای مرکزی وجود دارد، آنها در اثر پیدایش خودگردانی در شمال عراق، دیدگاه و رفتار مشترکی پیدا کردند. آنها اولاً مخالف تأسیس خودگردانی می‌باشند زیرا نگران تأثیرگذاری آن بر اقلیت کرد کشور خود هستند به ویژه ترکیه بیشترین نگرانی را از این بابت دارد (Olson, 1996, 3; Khaled, 2005, 4).

ثانیاً از آنجایی که کردهای عراق همواره در جستجوی خودمختاری و حتی استقلال بوده‌اند (نصری، ۱۳۷۴، ۹۱)، و در اثر تحولات ژئوپلیتیکی اوایل دهه نود چنین فرصتی برای آنها فراهم شده است و سیستم بین‌المللی و آمریکا نیز حمایت می‌نماید بنابراین دولت‌های همسایه علی‌رغم مخالفت خود چاره‌ای جز پذیرش این واقعیت نداشتند. ولی برای پیشگیری اندیشه جدایی‌طلبی به داخل منطقه کردنشین خود همواره بر یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق تأکید نموده و از این حیث موضع مشترکی اتخاذ کرده و از آن حمایت می‌کنند و همه آنها با تأسیس کردستان مستقل مخالفند (تول، ۲۰۰۶؛ کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۴۱).

ثالثاً برای کنترل و مدیریت بحران کردستان و پیشگیری از بروز حوادث ناخواسته، آنها برنامه مشترک همکاری را آغاز کرده و اجرا می‌نمایند و تاکنون نشست‌های متعددی بین سه کشور ایران، ترکیه و سوریه برگزار شده است (مهری‌پور، ۱۳۸۱، ۵۷). وزرای خارجه سه کشور مزبور در ۵ فوریه ۱۹۹۴ در استانبول گرد هم آمدند و به بررسی وضعیت کردستان پرداختند. آنها بر تمامیت ارضی عراق تأکید کردند و نارضایتی خود را از وجود منطقه خودمختار کردی تحت حفاظت سازمان ملل نیز اعلام داشتند. زیرا باعث حساسیت، علاقمندی و تحریک کردهای کشورشان شده است (O' Balance, 1996, 228). رابعاً مسأله کردستان به عنوان مشکل مشترک سه کشور نه تنها باعث همگرایی و اتخاذ مواضع و رفتار یکسان از سوی سه کشور گردیده بلکه به برخی اختلافات آنها در گذشته نسبت به مسایل کرد نیز پایان داده است به ویژه سوریه و ترکیه روابط خود را پس از اجلاس آگوست ۱۹۹۳ سه کشور در دمشق بهبود بخشیدند (Ciment, 1996, 7; Olson, 1996, 87).

مسأله نگرانی شدید سه دولت مزبور از تحولات شمال عراق و پیشرفت خودگردانی در آن همچنان جزو اولویت‌های سیاست خارجی سه کشور نسبت به همدیگر است. آنها

هر از گاهی ضمن ابراز نگرانی از تأثیر خودگردانی بر اقلیت کرد و احساس تهدید تمامیت ارضی کشورشان، همدیگر را به حفظ مواضع و اقدام مشترک نسبت به بحران کردستان توصیه می‌نمایند. برای نمونه می‌توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص "هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ" و نیز اظهارات نخست وزیر ترکیه در فوریه ۲۰۰۶ در خصوص "نگرانی‌های همسایگان از خشونت‌های فرقه‌ای در عراق" اشاره کرد (BBC, 4 April 2006 & BBC, 28 Feb 2006).

این اظهارات و اقدامات مؤید تأثیر فکری، عاطفی و سیاسی خودگردانی شمال عراق بر اقلیت‌های کرد کشورهای همسایه می‌باشد و اینکه دولت‌های آنها به شدت نگران اوج گرفتن احساسات جدایی‌طلبانه و یا ادعای خودگردانی و فدرالیسم از سوی کردها هستند که در هر صورت می‌تواند یکپارچگی و تمامیت ارضی آنها را با چالش روبرو نماید.

تجزیه و تحلیل

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کردستان به گونه‌ای است که اولاً در شبکه‌ای از سیستم‌های سیاسی، فضایی و تمدنی متنوع گرفتار آمده و تحولات آن محصول درونداد سیستم‌های منطقه‌ای و نیز فرامنطقه‌ای می‌باشد. ثانیاً کردستان خود به عنوان یک سیستم در تحولات منطقه‌ای و جهانی نقش آفرینی نموده و بر الگوهای ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی تأثیر می‌گذارد. این سیستم به عنوان جزئی از خاورمیانه با اجزاء و عناصر دیگر منطقه تعامل داشته و از آن تأثیر پذیرفته و متقابلاً بر آن تأثیر می‌گذارد. شمال عراق که به عنوان جزئی از سیستم کردستان محسوب می‌شود به لحاظ جغرافیایی تقریباً از موقعیت مرکزی در آن برخوردار است. لذا انتظار می‌رود بیشترین تعامل را با سایر اجزاء سیستم داشته باشد کردستان شمال عراق با موقعیت مرکزی خود در چارچوب یک ساختار و سیستم فضایی پنج سطحی قابل تبیین است و می‌توان روابط سطوح سیستم فضایی کردستان را در منطقه خاورمیانه در الگوی زیر تبیین نمود:

سطح اول: کانون یا بخش مرکزی سیستم است که در حال حاضر بر منطقه خودگردان شمال عراق و قلمرو حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)^{۱۱} انطباق دارد و در طول پانزده سال گذشته به صورت فزاینده‌ای به مرکز تحولات منطقه و عنصری دینامیک و پیشرو تبدیل شده است.

11. Kurdistan Regional Government.

سطح دوم: بخش‌های کردنشین پیرامونی کانون است که جزئی از سیستم‌های سیاسی - فضایی منطقه خاورمیانه محسوب می‌شوند و به درون کشورهای ایران، ترکیه و سوریه کشیده می‌شوند. این اجزاء از یک طرف در حاشیه سیستم‌های ملی قرار داشته و از سویی دیگر از موقعیت پیرامونی نسبت به بخش مرکزی کردستان یا شمال عراق برخوردار است. لذا این مناطق هویتی دوگانه دارند. از یک سو جزو سیستم کردستان به حساب می‌آیند و از سوی دیگر جزو سیستم دولت‌های ملی خود محسوب می‌گردند. در این تحلیل سطح دوم یعنی سیستم حاشیه - پیرامون به عنوان منطقه در حال تحول به حساب می‌آید.

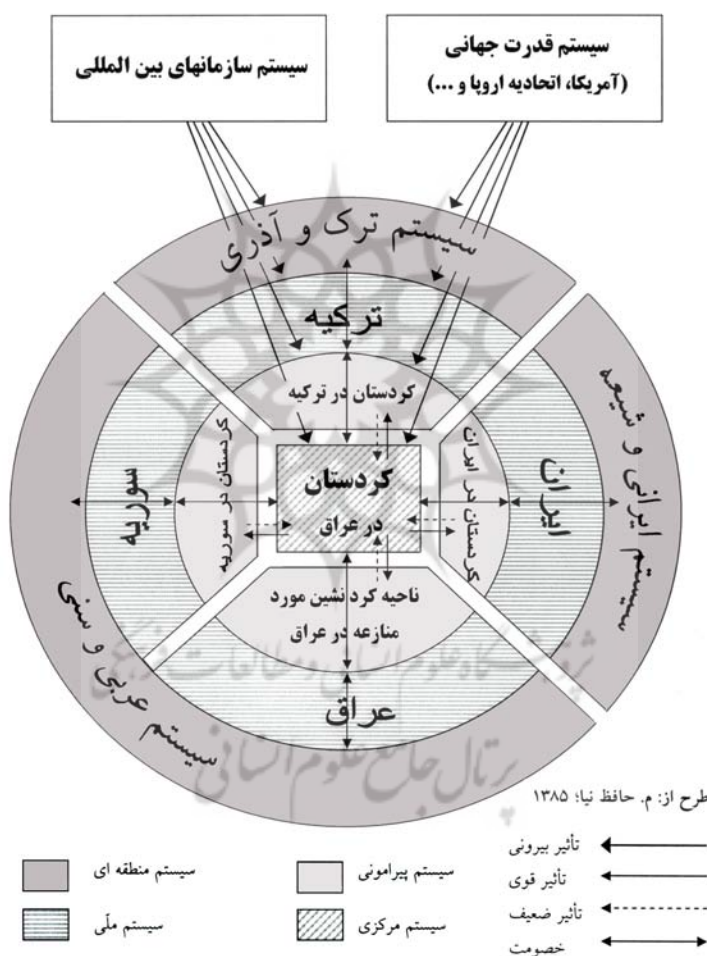
سطح سوم: سیستم‌های ملی یا دولت‌های منطقه‌ای دارای اقلیت کرد هستند که از عناصر عمده سیستم خاورمیانه محسوب می‌گردند. ایران، عراق، ترکیه، سوریه و تا اندازه‌ای لبنان و ارمنستان در این سطح قرار می‌گیرند و به عنوان سیستم‌های ملی شناخته می‌شوند.

سطح چهارم: سیستم‌های فرعی منطقه‌ای خاورمیانه هستند که به صورت غیرمستقیم و از طریق دولت‌های دارای اقلیت کرد با کردستان در رابطه قرار می‌گیرند. این سیستم‌ها در منطقه خاورمیانه عبارتند از: سیستم عربی و سنی، سیستم ایرانی و شیعی، سیستم ترکی و آذری. روابط سیستم کردستان با سطوح سوم و چهارم ضمن داشتن تفاوت، عموماً خصومت‌آمیز بوده است. سیستم کردستان از قرون ۱۹ و ۲۰ تاکنون خود را در انزوای ژئوپلیتیکی احساس نموده به طوری که تصور می‌کند دائماً در معرض تهدید سیستم‌های همسایه قرار دارد. از این‌رو رفتار طبیعی جنبش‌های سیاسی و ناسیونالیستی کرد در سیستم کردستان تکیه کردن بر سیستم‌های فرماندهی و جهانی بوده است. به عبارتی احساس انزوای ژئوپلیتیکی و تهدید از سوی همسایگان، ناسیونالیسم کردی را از بازیگران منطقه‌ای و همسایه ناامید کرده و آنها را به سوی یافتن تکیه‌گاه استراتژیک در خارج از منطقه رانده است. روابط شیخ عبیدالله با دولت‌های وقت اروپایی، روابط شیخ محمود با انگلستان، روابط قاضی محمد با شوروی و بالاخره روابط کنونی حکومت خودگردان شمال عراق با آمریکا منعکس‌کننده ادارک انزوای ژئوپلیتیکی و ناامیدی و نگرانی از همسایگان، و جستجوی متحد استراتژیک در خارج از منطقه می‌باشد.

امروزه نیز ادامه حیات حکومت خودگردان شمال عراق که از سال ۱۹۹۱ م تاکنون فعال است موکول به چتر حمایتی آمریکا و سیستم بین‌المللی است. اگر چنین حمایت‌هایی از آن سلب شود، جنبش کردی دچار چالش سختی می‌گردد. بر پایه این تحلیل شمال عراق با تأسیس و رشد حکومت خودگردان به کانون تحول سیستم کردستان تبدیل شده

است و امواج تحول از آن به بخش‌های حاشیه‌ای سیستم یعنی مناطق کردنشین کشورهای همسایه منتشر می‌گردد و این مناطق را نیز متحول می‌نماید. احتمال می‌رود که در صورت تداوم و توسعه ارزش‌های جدید در حکومت خودگردان شمال عراق سیستم حاشیه‌ای در آینده دچار تحول شده و به انسجام و یگانگی کردستان کمک نماید. مدل زیر چارچوب روابط سیستمی کردستان را در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد.

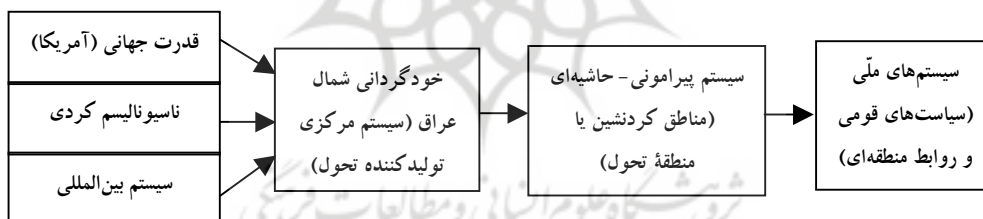
الگوی سیستماتیک روابط فضایی کردستان



نتیجه‌گیری

تحول در ساختار ژئوپلیتیک جهانی و نیز شکست عراق در کویت در آغاز دهه نود زمینه را برای بروز مجدد ناسیونالیسم کردی و ایجاد حکومت خودگردان فراهم کرد.

ناسیونالیسم کردی برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی همچون گذشته به حمایت قدرت‌های جهانی در سیستم بین‌المللی نیاز داشت. در پرتو این حمایت بقای خودگردانی تضمین و شمال عراق به سطح اتصال کردستان با جامعه جهانی و سیستم بین‌الملل تبدیل گردید که حمایت افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی را در پی داشت. در این فرآیند اندیشه سیاسی فدرالیسم و نهادهای سیاسی و اجرایی حکومتی با هویت کردی تکامل یافت و شمال عراق به عنصری دینامیک تبدیل شد و توانست موقعیت مرکزی و کانونی را در قلمرو کردنشین خاورمیانه پیدا نماید و مدلی آرمانی را در پیش‌روی کردها قرار دهد. تأثیرگذاری خودگردانی شمال عراق بر منطقه خاورمیانه در چارچوب سیستم ژئوپلیتیکی و ساختار فضایی چند سطحی قابل تبیین است. بدین معنی که از شمال عراق به عنوان سیستم مرکزی، پدیده‌ها و امواج تحول به سیستم پیرامونی و یا مناطق کردنشین حاشیه‌ای کشورهای همسایه انتشار پیدا می‌کند و سیستم حاشیه را دچار تحول می‌نماید. تحولات سیستم حاشیه دولت‌های مربوطه را نگران کرده و بر مواضع، سیاست‌ها و روابط آنها با یکدیگر تأثیر گذاشته و الگویی از همگرایی در روابط منطقه‌ای را در خاورمیانه شکل داده است. مدل زیر بیانگر فرآیند تأثیرگذاری مزبور می‌باشد.



حوزه‌های تأثیرگذار مرکز بر حاشیه و نیز سیستم‌های ملی عبارتند از: حوزه ذهنی-عاطفی، شامل استقبال و شادمانی از پیدایش و موفقیت خودگردانی، تقویت اندیشه ناسیونالیسم کردی، همنوایی و سمپاتی، انتشار گسترده نمادهای حکومت خودگردان در میان کردها، اعتماد به نفس و امید به آینده در کردها، نگرش آرمانی به الگوی خودگردانی شمال عراق و احساس غرور در آنها. حوزه سیاسی، شامل تقویت و گسترش انگیزه و عمل سیاسی برای ابراز حقوق و خواست‌های خود از دولت‌های مرکزی در طیفی از اقدامات مدنی تا برخوردهای شدید و درگیری با نیروهای دولتی، که سیاست سنتی آنها نسبت به کردها را به چالش می‌کشد.

این خواست‌ها عمدتاً شامل آزادی عمل در حوزه زبان و فرهنگ کردی، حق تعیین سرنوشت، رفع تبعیض اقتصادی و اجتماعی، محرومیت‌زدایی و نظایر آن است. حوزه منطقه‌ای، شامل افزایش نگرانی در سیستم‌های ملی دارای اقلیت کردی از اثرگذاری تحولات شمال عراق بر آنها، و ایجاد همگرایی و اتخاذ مواضع و سیاست مشترک برای کنترل و مدیریت بحران کردی در منطقه خاورمیانه و تقلا برای پیشگیری از تجزیه کشورهایشان.

روند تأثیرگذاری سیستم مرکزی بر سیستم پیرامونی به گونه‌ای است که اگر حمایت سیستم بین‌المللی و قدرت جهانی و نیز پایداری خودگردانی شمال عراق ادامه پیدا کند، سیستم پیرامونی تحوّل یافته و فشار بر سیستم‌های ملی را توسعه خواهد داد و آنها ناگزیر از اصلاح سیاست‌های قومی خود و پذیرش خواست‌های کردها خواهند شد.

تشکر و قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از حمایت‌های مالی و اجرایی دانشگاه تربیت مدرس برای اجرای این پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. کردایتی اصطلاح رایج و شناخته شده در بین کردهاست که به معنی گام برداشتن در راه توسعه و عمران کردها می‌باشد (حسن پور، مرکز مطالعات کردی بن آلمان، ۱۳۸۵/۲/۲۹).
۲. باید توجه داشت که ناحیه کردنشین خاورمیانه از حدود پنج قرن قبل و در سال ۱۵۱۴ م. و در پی شکست دولت صفوی از دولت عثمانی در جنگ چالدارن به دو بخش تقسیم شد. یک بخش در قلمرو حکومت ایران قرار گرفت که از همان زمان تاکنون به طور پیوسته منطقه کردستان ایران را تشکیل می‌دهد و عموماً تحت فضای سیاسی دولت ایران قرار داشته است و حوادث بعدی به ویژه تحولات ژئوپلیتیکی مربوط به جنگ جهانی اول نیز بر آن تأثیر نداشته و حتی موضوع تصمیم‌گیری پیمان سور نیز نبوده است. بخش دیگر در قلمرو دولت عثمانی قرار گرفت که شامل مناطق کردنشین امروز ترکیه، عراق و سوریه می‌باشد. این بخش تا پایان جنگ جهانی اول تحت تأثیر فضای سیاسی دولت عثمانی قرار داشت و پس از جنگ موضوع پیمان سور قرار گرفت و در آن تأسیس دولت مستقل کردستان در بخش جنوبی مناطق کردنشین ترکیه جدید پیشنهاد گردید و مقرر شد بخش کردنشین شمال عراق نیز در صورت تمایل به آن ملحق گردد. بنابراین ماهیت تحولات سیاسی دو بخش کردستان ضمن داشتن نقاط مشترک از تفاوت‌هایی نیز برخوردار است که تا اندازه‌ای محصول نحوه استمرار فضای سیاسی حاکم بر آنها می‌باشد. در واقع کردستان ایران به طور پیوسته در

طول پنج قرن گذشته در چارچوب فضای سیاسی دولت ایران بوده است در حالی که بقیه کردستان در چارچوب فضای سیاسی دولت های متفاوتی قرار داشته و تحولات مختلفی را تجربه نموده است. در یک قرن اخیر تحولات جنگ های جهانی اول و دوم، فضای سیاسی دولت های جدید نظیر ترکیه، عراق و سوریه، تحولات پس از جنگ سرد و سقوط حکومت عراق و غیر آن از جمله آنها می باشد.

منابع و مآخذ

۱. اتول، بم (۲۰۰۶): نگرانی های همسایگان از خشونت های فرقه ای در عراق. www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006/02.
۲. بختیاری، سعید (۱۳۸۱): *اطلس جامع گیتاشناسی*، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۳. برزنجی، سعدی، ترجمه: امجد غلامی (۱۳۸۱): *دخالت های بشردوستانه سازمان ملل متحد در کردستان عراق*. فصلنامه رافته، شماره ۳.
۴. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱): *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
۵. حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳): *افق های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
۶. رزگار، فتاح، ترجمه: عدنان حسن پور (۱۳۸۱): *استقلال، فدرالیسم و خودمختاری*. فصلنامه رافته، شماره ۲، به نقل از مجله کردی یاسا (شماره ۳، تابستان ۲۰۰۱).
۷. روزنامه آفتاب (۸/۳/۸۳، ۳۰ آگوست ۲۰۰۵). شماره ۱۵۹۶.
۸. روزنامه اطلاعات (۲۷/۲/۱۳۸۴، ۲۷ آوریل ۲۰۰۵): *حیات کردستان مستقل امکان پذیر نیست*. شماره ۲۳۳۲۵.
۹. روزنامه ایران (۱۲ نوامبر ۲۰۰۵): *شرایط جغرافیایی مانع تحقق دولت کردستان است*. سال ۱۱، شماره ۳۳۰۷.
۱۰. روزنامه ایران (۱۰/۲۴/۱۳۸۴): *تشکیل وزارت خارجه مستقل در دولت خودمختار کردستان عراق*. سال یازدهم، شماره ۳۳۶۸. به نقل از ایسنا و الشرق الاوسط چاپ لندن.
۱۱. روزنامه ایران (۲۲/۸/۸۴، ۲۴/۵/۸۴، ۹/۵/۸۴، ۵/۵/۸۴، ۱۶/۵/۸۴، ۱۲/۵/۸۴، ۱۷/۵/۸۴، ۱۹/۵/۸۴، ۹/۲/۸۴).
۱۲. عمرگل، معروف، ترجمه: عدنان حسین (۱۳۸۱): *سازمان های برجسته کردن شخصیت های حقوقی بین المللی ملت کرد*. فصلنامه رافته، شماره ۲.
۱۳. قربانی نژاد، ربیاز (۱۳۸۴): *بررسی تأثیر تحولات کردستان عراق در سال های اخیر بر کردستان ایران*. به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
۱۴. قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۴): *تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن بیست و یکم*. نامه دفاع (۹)، شماره ۴.
۱۵. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳): *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*. جلد: ۲، ترجمه: سید مهدی حسینی متین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. کوچرا، کریس، ترجمه: عزیز م. (۱۳۸۱): *سرآغاز جنبش ناسیونالیسم کرد*. فصلنامه رافته، شماره ۲.
۱۷. مردوخ کردستانی، شیخ محمد (۱۳۵۱): *تاریخ مردوخ: تاریخ کرد و کردستان*. جلد ۱. سندج: کتابفروشی غریقی.
۱۸. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه ها*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۱۹. مهری پور، ذبیح الله (۱۳۸۱): *کردستان عراق و سیاست های جمهوری اسلامی*. فصلنامه رافته، شماره ۳.
۲۰. ناظمیان، رضا (۱۳۸۱): *جریان های سیاسی معاصر عراق*. تهران: مؤسسه فرهنگی کتاب و عترت.
۲۱. نصری، قدیر (۱۳۸۴): *الگوی روش شناختی برای مطالعه جامعه شناسی قدرت، مورد: جمهوری عراق*. فصلنامه مطالعات راهبرد دفاعی. سال سوم، شماره ۹.

22. Ali, Othman (2003); *The Plight of the Kurds and the Prospects for Federalism after the War on Iraq*. Ontario: Woodbridge College. Available in: www.minaret.org/othmanali.pdf.

23. Arfa. Hasan (1966); *The Kurds: An historical and Political Study*. London: Oxford University Press.

24. Barabasz, J.L. (1989); **Kurdistan Map**. Paris: Institut Kurde de Paris.
25. Badruddin, Salah (1999); **West-Kurdistan**.
26. BBC. (04/2004). www.bbc.co.uk/persian/news/story/2004.
27. BBC.(06/2005). www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/06.
28. BBC.(18/07/2005). www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/07/05.
29. BBC. (16 August 2005). **حزب دموکرات ایران شصت ساله شد**. www.bbc.co.uk/persian/iran/story.
30. BBC.(13/08/2005). www.bbc.co.uk/persian/news/story/2005.
31. BBC.(17/02/2006). www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006.
32. BBC (21/11/2005; 27 Oct. 2005; 01, 14 Aug. 2005; 05 Nov. 2005; 18/07/2005). www.bbc.co.uk/persian/news/story/2005.
33. BBC.(04April2006;28Feb.2006). www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006.
34. BBC.(11&23March2006). www.bbc.co.uk/Persian/news/story/2006.
35. BBC. (26 March 2006). www.bbc.co.uk/persian/news/story.
36. Bozarslan, Hamit (1996); **The Kurdistan Nationalist Movement**. Available in: **The Kurdish Nationalist Movement in the 1990s**. Edited by; Robert Oslon. USA: The University Press of Kentucky.
37. Ciment, James (1996); **The Kurds: State and Minority in Turkey, Iraq and Iran**. USA- New York: Facts on File, Inc.
38. Cohn, Saul. B. (1994); **Geopolitics in the New World Era**, available in: **Reordering the world**. Edited by: Demko, G.J & Wood, W.B .USA: West View Press.
39. **Demana**. (20-26 Mart 2006). Weekly, Germany.
40. Duin, Julia. (2004); **Losing the Kurds**. **Ripon Forum**. www.riponsoc.org.
41. Eagleton JR, William. (1963); **The Kurdish Republic of 1946**. London: Oxford University Press.
42. Galie', Alessandra & Yildiz, Kerim (2005); **Development in Syria: A Gender and Minority Perspective**. Great Britain: Kurdish Human Rights Project (KHRP).
43. Gunter, Michael M. (1988); **The Kurdish Problem in Turkey**. Middle East Journal, Vol. 42, No.3.
44. Gurr, Robert & Harff, Barbara (1994); **Ethnic Conflict in World Politics**. USA: Westview Press.
45. Huntington, S.P. (1993); **The Clash of Civilizations**. Foreign Affairs. Vol.72, No.3.
46. Huntington, S.P (1999); **The Lonely Super Power**. Foreign Affairs. Vol.78, No.2.
47. Hussein, Fuad (1990); **The Legal concept of Self- Determination and the Kurdish Question**. Available in: Year Book of the Kurdish Academy, 1990. Dusseldorf: Kurdish Academy.
48. Izady, M.R. (1998); www.institutkurde.org/kurdorama/carte.
49. Kaveh, Sirvan. (2006); **Iranian Kurds and Kurds**. www.kurdishmedia.com. April 28.
50. Khaled, Salih. (2005); **What future for the Kurds**. Middle East Review of International Affairs. Vol.9, No.1.
51. Koohi-Kamali, Farideh (2003); **The Political Development of Kurds in Iran**. New York: Palgrave-McMillan.
52. Kreyenbroek, Philip G & Allison, Christine (1996); **Kurdish Culture and Identity**. London: Zed Books Ltd with SOAS.
53. Kurdistan National Congress (2005); **KNC: Kurds are for an independent state**. www.kurdmedia.com/news.asp (27.04.2006).
54. Kurdistan Observer (27.04.2006); **US Leftist Noam Chomsky Calls for Outonomous Kurdistan**. <http://mywebpage.netscape.com>.
55. Kutschera, Chris (1998); **Ledefi Kurde Ou le reve Fou de Independence Paris**.
56. McDowall, David (1998); **The Kurds of Syria**. London: KHRP (Kurdish Human Rights Project).
57. Muslimovic, Ken (2002); **KDP: Kurds do not want an Independent State**. www.kurdishmedia.com.
58. Navend, Zentrum Fur Kurdische Studien. e.v., Bonn (2002); www.navend.de/html/kurden/daten.htm, 12/05/2006
59. Natali, Denise (2005); **The Kurds and the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran**. New York: Syracuse University Press.
60. Nezan, Kendal (1996); **The Kurds: Current Position and Historical Background**. Available in: **Kurdish Culture and Identity**. Edited by: Kreyenbroek, P & Allison, C. London: Zed Book Ltd with SOAS.
61. O'balance, Edgar (1996); **The Kurdish Struggle**. London: Mcmillan Press Ltd.
62. Olson, Robert (1996); **The Kurdish Nationalist Movement in the 1990s**. USA: The University Press of Kentucky.
63. Pelletiere, Stephan C (1984); **The Kurds: An Unstable Element in the Persian Gulf**. USA: West view Press.
64. Peyama Kurd. (10/03/2006). Weekly, Germany.
65. Rieciardone, Francis J. (2000); **An American Diplomat's Perspectives on Kurds in the Global Arena**. American University- Center for Global Peace (April 17, 2000).
66. Stansfield, Gareth R.V (2003); **Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy**. London: Routledge Curzon.
67. Stansfield, Gareth. (2005); **Makeup or Breakup**. The World Today. 61:3.
68. With, Paul. (2000); **Primitive Rebels or Revolutionary Modernizers? The Kurdish National Movement in Turkey**. London: Zed Books.
69. www.kdp.pp.se (01.05.2006); **A living Symbol of Freedom: Mustafa Barzani**.
70. www.krg.org (08/03/2006); **Final Draft Iraqi Constitution**.
71. Yildiz, Kerim (2004); **The Kurds in Iraq: The Past, Present and Future**. London: Pluto Press.